

خصوصی سازی

خود را به بخش خصوصی واگذار کنند.

در پی ایجاد این رهنمود در سالهای ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ فروش سهام شرکتهای دولتی به بخش خصوصی از طریق فعال کردن بورس اوراق بهادار، ابتدا به کندی و سپس در سال ۱۳۷۱ با شتاب بیشتر، صورت گرفت. در سال ۱۳۷۲ فروش شرکتهای به سهامداران عمده با سرعت دنبال شد.

فواید خصوصی سازی:

۱. افزایش کارایی شرکتهای هم در بخش ماشین آلات و هم در بخش نیروی انسانی
 ۲. کاهش ضایعات مواد اولیه و کالای نیم ساخته
 ۳. بهبود کیفیت کالاها از طریق ایجاد رقابت بین واحدهای تولیدی همگن
 ۴. کاهش قیمت تمام شده کالاها و نتیجتاً پایین آمدن قیمت فروش
 ۵. بر اثر افزایش منابع مالی شرکتهای، ایجاد امکان بازسازی و نوسازی ماشین آلات، و نتیجتاً، بالا رفتن عرضه محصولات تولید شده با کیفیت بالاتر و به نفع مصرف کنندگان
 ۶. افزایش تولید داخلی و نتیجتاً کاهش واردات کالای ساخته شده
 ۷. کاهش نیروی انسانی از طریق افزایش بهره وری نیروی انسانی موجود در کارخانجات
 ۸. نوآوری در ایجاد محصولات و تولید فرآورده های تازه
 ۹. متعادل شدن عرضه و تقاضا در بخشهای مختلف صنایع از طریق مکانیزم سود
 ۱۰. فعال شدن بورس اوراق بهادار، امکان دستیابی به سرمایه بیشتر از طریق سهام.
 ۱۱. از طریق بورس اوراق بهادار، امکان دستیابی به سرمایه بیشتر از طریق افزایش سهام.
- البته در پایان باید گفت که خصوصی سازی فی نفسه چاره همه دردها نیست. فوایدی که بر شمردیم در صورتی به بار خواهد نشست که فروش صنایع به خریداران با دقت و برنامه ریزی صحیح انجام شود و خریداران نیز در امور آن واحد صنعتی که صاحب خواهند شد، مهارت و تجربه کافی داشته باشند.

شعار «دولت تاجر خوبی نیست»، که همیشه ورد زبان اقتصاددانان بوده، در ایران بعد از انقلاب که اکثر صنایع، دولتی شدند و به مرور تا آغاز برنامه اول جمهوری اسلامی ایران مسائل و مشکلاتی در آنها بروز کرد، یکبار دیگر اعتبار خود را نشان داد. اهم این مشکلات عبارت بودند از:

۱. از آنجا که هدف اصلی شرکت ایجاد سود نبود، زیان انباشته در برخی از شرکتهای تا ده برابر سرمایه اولیه بالغ گردید.
 ۲. از آنجا که سود شاخص کارایی و متعادل کننده عرضه و تقاضا در بخشهای مختلف اقتصادی است، فقدان این انگیزه سبب شد که در یک بخش افزایش تولید کالا و در بخش دیگر کمبود به وفور دیده شود.
 ۳. به علت فقدان عامل سود در محاسبات، و فقدان رقابت در بین صنایع مشابه، کیفیت کالاها به مرور رو به ضعف گذاشت، به طوری که در اکثر موارد تولید کالا نیاز واقعی مصرف کننده را بر نمی آورد.
 ۴. افزایش ضایعات مواد اولیه و کالای نیم ساخته موجب بالا رفتن قیمت تمام شده، و نتیجتاً افزایش قیمت فروش کالا، شد.
 ۵. تورم نیروی انسانی در کارخانجات، به خصوص در بخشهای اداری به پدید آمد.
 ۶. قیمت تمام شده داخلی چنان بالا رفت که واردات کالای مشابه، حتی با وجود پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی، به صرفه تجار و بازرگانان بود.
 ۷. به علت فقدان سود، منابع مالی شرکتهای به مرور رو به تحلیل گذاشت و نتیجتاً بازسازی و نوسازی کارخانه به فراموشی سپرده شد.
 ۸. نوآوری در ایجاد محصولات و بهبود محصولات قبلی نادیده انگاشته شد.
- جمع این عوامل، و عوامل بسیار دیگر، موجب شد که دولت در برنامه اول جمهوری اسلامی به فکر خصوصی کردن صنایع داخلی بیفتد که سرلوحه آن «کارایی فعالیتهای اقتصادی و افزایش بهره وری در صنایع داخلی» بود. بر اساس این برنامه کلیه سازمانها و ارگانها و نهادهای دولتی موظف شدند که صنایع تحت پوشش